



خلاقیت ادبی در اشعار احمد شاملو

رؤیا پروین

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

منصوره تدینی (نویسنده مسئول)^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

مسعود پاکدل

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

سیما منصوری

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۷

چکیده

احمد شاملو، شاعر معاصر ایران با درک ظرفیت های موجود در زبان فارسی و اشراف بر ادبیات کلاسیک به ویژه متون نثر و خلاقیت منحصر به فرد خویش، با بهره گیری از انواع شگردهای زبانی و رسیدن به سو بهای طبیعی کلام و موسیقی موجود در آن با تغییر در ساختار و محتوای شعر نیمایی توانست گونه ای دیگر از شعر را بنیان نهد که از آن به عنوان شعر سپید نام می بریم. بر همین اساس هدف از این پژوهش، نشان دادن خلاقیت ادبی، با بهره گیری از ترفندها و شگردهای زبانی و مفهوم سازی های نوین با تکیه بر مجموعه اشعار شاملو می باشد. داده های مورد نظر، با بهره گیری از منابع دست اول و دوم در محیط کتابخانه گردآوری گردیده است. سپس با تکیه بر اهداف و ابعاد مورد نظر جستار حاضر، داده های مورد نظر به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که بخش عمده ای از خلاقیت ادبی شاملو در شگردها و

^۱ . ms.tadayoni@gmail.com.

هنجار‌گریزی‌های زبانی، موسیقی طبیعی کلمه و نگاه سیاسی و اجتماعی توأم با فخامت و سنگینی کلام است که شعر وی را برجسته و متمایز کرده است. نگارنده در تلاش است که با کند و کاو در مجموعه اشعار شاملو و مطالعه منابع موجود در این زمینه، فرآیند خلاقیت ادبی را نشان دهد و بگوید که چگونه شاعر در ساختار و محتوای شعر معاصر ایران تغییر ایجاد کرده و سبک جدیدی از شعر را بنا نهاده است.

کلیدواژه‌ها: احمد شاملو، خلاقیت ادبی، شعر سپید، موسیقی کلام، شگردهای‌های زبانی

۱- مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

شعر فارسی در گذر زمان مستلزم تحولات بنیانی قابل توجهی بوده است. شعری که گرفتار جمود و رخوت شده بود و اجزای کلیشه‌ای و قالب‌های آن دیگر گنجایش نیازها، احساسات و عواطف شاعران خلاق را نداشت. نسیم بیداری، آزادی و قانون خواهی وزیدن گرفته بود سپس مشروطه و تلاش برای آزادی فرا رسید. شاعران مشروطه از جمله بهار، ایرج میرزا، لاهوتی و... به شعر کلاسیک فارسی رنگ تازه‌ای بخشیدند و روح محتواهای جدید مانند وطن، آزادی و زبان امروزی را به شعر فارسی دمیدند که نتیجه خلاقیت ادبی این شاعران بود. بنابراین خلاقیت ادبی عبارتست از عبور شاعر از هنجارهای زبانی رایج و آزاد و رها شدن از قید و بند مفاهیم از پیش ساخته ذهنی و فکری و خلق اثری که با زیبایی آفرینی در حوزه واژگان، نحو، آوا و... پیام ذهنی تازه ساخته خود را به مخاطب موثرتر انتقال دهد بر همین منوال خلاقیت ادبی در شعر در چهار مرحله محقق می‌گردد. ۱- مهارت در به کارگیری ترفندها و شگردهای زبانی ۲- انگیزش و تجربه‌های شخصی شاعر در معنا سازی ۳- ابداع تصاویر حسی با استفاده از تفکر خلاق ۴- پویایی واژها. بنا براین ابعاد متفاوت خلاقیت ادبی جایگاه ویژه‌ای را در ادبیات معاصر به خود اختصاص داده است.

خلاقیت ادبی باعث پدیدار شدن اثر ادبی برجسته و منحصر به فرد می‌شود و شناخت آن برای فهم چگونگی این آثار لازم و ضروری است. به همین سبب بررسی آن به دلایل مختلف که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود اهمیت می‌یابد. خلاقیت ادبی از روزگاران کهن در ادبیات فارسی به شیوه‌های گوناگون تفسیر می‌شده است. در شعر کلاسیک فارسی به تاسی از ادبیات عرب هر شاعر را دارای یک تابعه می‌دانستند که شعرش را به او الهام می‌کرد و هر چه تعداد تابعه‌ها بیشتر بود، قدرت خلاقیت ادبی شاعر بیشتر و در نتیجه در شاعری قدرتمندتر می‌

بود. در مسیر تحولات تاریخی شعر فارسی ابعاد متفاوتی را در چگونگی و فرآیند خلاقیت ادبی می‌توان مشاهده کرد. در مسیر تحولی شعر کلاسیک به شعر معاصر و تغییرات عمده زبانی و معنایی حاصل از آن و ابعاد نشانه‌شناختی از تصویرسازی ذهنی و معنایی می‌توان به مکانیسم و فرآیند آفرینش زبانی و معنایی در شعر اشاره کرد. رعایت موارد ذکر شده می‌تواند منشا خلاقیت ادبی باشد. و سبب می‌گردد تا مخاطب در مقیاس بیشتری پیام شاعر را از زاویای زبانی شعرش درک کند. در ادبیات فارسی شاعران خلاق کم نبوده‌اند اما نشان دادن و بیان کردن این مهم کمتر مورد عنایت و توجه صاحب نظران و ادیبان قرار گرفته است. با توجه به آن چه که گفته شد در این جستار سعی می‌شود فرآیند خلاقیت ادبی را در اشعار احمد شاملو مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. انتخاب آثار شاملو بدان سبب است که از زمان انتشار مورد نقد و بررسی اکثر شاعران و منتقدان هم عصر وی به لحاظ بوده است در اکثر نقد و بررسی‌ها منتقدان به سبک ویژه شاملو و شعر شاملویی که ابداع وی است اشاره کرده‌اند. اما با این همه، خلاقیت ادبی منحصر به فرد وی در شعر او کمتر مورد توجه بوده است.

در این پژوهش کوشش شده است که جایگاه خلاقیت در نقد ادبی آشکار گردد و مشخص شود که خلاقیت ادبی می‌تواند معیاری برای سنجش آثار شاعران چه در روند شعری خودشان و چه در قیاس با دیگر شاعران باشد. هم‌چنین سعی شده است که بر اساس تعریف خلاقیت و فرآیند به وجود آمدن آن به بررسی و کنکاش رویکردی منحصر به فرد شعر شاملو رسیدن وی به شعر سپید آشکار گردد.

۱-۲. پیشینه

تاکنون پژوهش‌های قابل توجهی در راستای موضوع پژوهش حاضر محقق نشده است. اما اشاراتی هرچند کوتاه در برخی جستارها پیرامون این موضوع مشاهده گردیده است:

سیروس شمیسا (۱۳۸۸) به نقل از شفیع کدکنی می‌گوید شاعران خلاق در تغییر سبک‌ها به دوگونه عمل می‌کنند یا حال و هوای تازه‌ای را وارد یکی از ساخت‌ها و صورت‌های شعری می‌کنند یا خود به ایجاد ساخت و صورتی نو می‌پردازند.

رضا براهنی (۱۳۷۱) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که خلاقیت شاعر، طبیعتی دوگانه دارد نخستین به عنوان یک انسان و دومی به عنوان یک هنرمند. به باور او خلاقیت شاعرانه، جریانی است که در آن زندگی و زبان با هم در می‌آمیزند و مفهوم و وسیله‌ارائه مفهوم به عقد نکاح یکدیگر در می‌آیند.

نیما یوشیج (۱۳۶۸) عمل آفرینندگی و خلاقیت را در هنرمندان نتیجه همکاری ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه به تحریک و دستیاری الهام می‌داند.

کوروش صفوی (۱۳۸۸) فرآیند کارکرد عناصر زبانی را در راستای خلاقیت بر اساس دو محور همنشینی و جانشینی مورد توجه قرار می‌دهد. در محور جانشینی چگونگی هم‌آوایی و میل ترکیبی واژگان در یک زنجیره زبانی را بررسی می‌کند. در محور جانشینی چگونگی انتخاب واژه‌ها و حتی اصوات را در بافت‌های مختلف مورد کنکاش قرار می‌دهد. صفوی به این نتیجه می‌رسد که کانون آغاز خلاقیت ادبی با تکیه بر عناصر زبانی بر مبنای دو محور نامبرده اتفاق می‌افتد.

شفیعی کدکنی (۱۳۹۰) با نگاهی جبری، نقش تاریخی را برجسته کرده و آثار ادبی برجسته را ماحصل خلاقیت ادبی و اراده تاریخ می‌داند و می‌گوید: هر اثر برجسته هنری، ترکیبی است از خلاقیت فردی هنرمند در یک سوی و نقش تاریخی اثر او از سوی دیگر. البته او این نکته را هم بیان کرده که: «نقش تاریخی در مجموع، چیزی نیست جز معنا و رنگ و بویی که هر شعر از بافت تاریخی خود می‌گیرد... و خلاقیت فردی مجموعه متراکم تشبیه‌ها و استعاره‌ها و فناوری‌ها است.

۲- بحث و بررسی

خلاقیت ادبی ریشه در زیست پیچیده هنرمند و زبان به عنوان وسیله‌ای ارتباطی همراه با نیروی تخیل دارد به عبارتی دیگر خلاقیت ادبی حاصل زندگی و تجارب شاعر، زبان و تخیل اوست در این رهگذر شاعران برتر با استفاده از خلاقیت تلاش می‌کنند به ذهن و زبان ویژه خویش برسند. در فرآیند خلاقیت ادبی رهایی و آزادی به وقوع می‌پیوندد. رهایی از قید و بندها و تنگناهای از پیش تعبیه شده دستوری و زبانی. شاعر با بهره‌گیری از امکانات زبانی و بیانی بالقوه خود این توانایی را در زوایای گوناگون شعر خویش متجلی می‌سازد. برای بررسی دقیق‌تر فرآیند شکل‌گیری خلاقیت ادبی، در ادامه در بخش‌های مختلف ابعاد متفاوت آن را به اختصار شرح داده و نمونه‌های شعری از اشعار شاملو می‌آوریم.

۲-۱- مهارت در به‌کارگیری ترفندها و شگردهای زبانی

مهارت شاعر در به‌کارگیری ترفندها و شگردهای زبانی باعث برجسته‌سازی زبان می‌شود و برجسته‌سازی زبان از دو طریق صورت می‌گیرد یکی هنجارگریزی که نسبت به قواعد حاکم بر زبان هنجار انحراف صورت می‌گیرد به عبارت دیگر از نرُم و زبان خودکار منحرف شود. و قاعده افزایشی اعمال قواعد اضافی بر قواعد زبان هنجار است. اگر برجسته‌سازی به شیوه‌ای نو انجام شود سخن تازه و با طراوت می‌شود (ر. ک. حسن‌لی، ۱۳۹۶: ۱۱۳) اشرف شاملو بر متون نظم و نثر و احاطه‌ی وی بر ظرایف و دقایق آن تا حدی است که می‌توان گفت: «زبان شعر

شاملو هم چون درختی است که ریشه آن در زبان نظم و نثر فارسی دری تا حدود قرن هشتم استوار شده است، و شاخ و برگ آن در فضای زبان امروز افشان گردیده است. به همین جهت این زبان شکوه و استواری زبان دیروز و طراوت و تازگی زبان امروز را در خود جمع دارد. بی گمان راز زیبایی و موفقیت شعرهای سفید شاملو تا حد زیادی مرهون همین زبان است که نه تنها خلاف عادت نمایی آن چهره‌ای شاعرانه به آن می‌بخشد، بلکه تشدید صفت آهنگینی آن هم، جای وزن عروضی و نیمایی را در این شعرها پر می‌کند» (پور نامداریان، ۱۳۹۰: ۳۱۵)

هنجارگریزی یکی از ترفندها و شگردهای زبانی است که نشان از خلاقیت ادبی شاعر دارد و شاملو این مهم را به زیبایی و به شیوه‌های متعدد در اشعار خود نشان داده است. «شاملو برای متفاوت کردن شعر خود از تمام امکانات زبانی و انواع هنجارگریزی‌های شعری و به خصوص برجسته سازی‌های زبانی استفاده می‌کند» (ویسی، ۱۳۹۵: ۵۲) خلاقیت در زبان از طریق هنجارگریزی همواره مورد توجه شاملو بوده و در واقع باید گفت مهم‌ترین عامل خلاقیت ادبی شاملو «توجهی است که به عنصر زبان و کشف ابعاد نو در زنجیره گفتار و ساخت-های کلمه دارد... او برای رسیدن به ساحت‌های نو‌ترم زبان را می‌شکند.» (قدمیاری، ۱۳۹۲: ۱۰۷)

ساخت فعل به صورت های گوناگون:

بر کدام تاریخ می‌ماید این سیم و زه، این پنجه‌ی نادان؟ (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۷۹)

رودی که به روزگاران سُرید و از یاد شد. (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۸۶)

و عبور فصیح موبکِ رگ‌بار / بیاغازد (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۰۰۲)

و لعنت شدن را، برجای، / چیزی به جای بِنماندم (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۷۶)

کاربرد «ک» تحسین و تصغیر

ما نیز روزگاری / لحظه‌ی سالی قرنی هزاره‌یی از این پیش ترک/ هم در این جای ایستاده بودیم. (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۸۰)

من بینوا بنده گکی سر به راه / نبودم (شاملو، ۱۳۹۱: ۷۲۹)

استفاده از قید «راست» به معنای درست

می‌خفتی / می‌آمدیم و می‌دیدیم / که جان‌ات / ترنم بی‌گناهی ست / راست همچون سازی در توفانِ سازها (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۶۶)

تشریفات در ذروه‌ی کمال است و بی‌نقصی / راست در خور انسانی که بر آن اند / تا همچون فتیله‌ی پردود شمعی بی‌بها / به مقراضش بچینند. (شاملو، ۱۳۹۱: ۸۷۵)

بازی زبانی با کلمات

بازی زبانی با کلمات یا دوزبازی با الفاظ نشان دهنده‌ی شیوه‌ی خاص شاعری است که می‌خواهد شکل تازه‌ای ابداع کند و خلاصیت خود را به نمایش بگذارد. (ر.ک: حقوقی: ۱۳۹۶، ۱۳)

سر به سر سرتا سر در سراسر دشت / راه به پایان برده‌اند / گدایان بیابانی. (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۶۶)
خوشا پرکشیدن، خوشا رهایی / خوشا اگر نه رها زیستن، مردن به رهایی (شاملو، ۱۳۹۱: ۵۴۵)

ساخت ترکیبات جدید

« شاملو با استعداد ترکیب پذیری در زبان فارسی آشناست و از همین رهگذار توانسته است ترکیبات متعدد و زیبایی به زبان فارسی هدیه کند و آن را به سهم خود غنی تر و سرشارتر سازد.» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۳۲۴)
درنگِ ساتور خونین و نزولِ لَخت‌الخت تاریکی / چون خواب /... (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۰۰۳)
لیکن این خردنمون / حقیقت عظیم جهان است. / (شاملو، ۱۳۹۱: ۷۶۰)
پس، من، مرا صعود افزار شد. (شاملو، ۱۳۹۱: ۶۳۷)

جا به جایی ارکان جمله

در شعر شاملو جا به جایی ارکان جمله به عنوان یک خصیصه‌ی سبکی وجود دارد به طوری که اگر آن را تغییر دهیم باعث ایجاد نقص در اشعار وی می‌شود.

ما/ تنها/ یکی خنجر کج بر سفره‌ی سور / در دیس بزرگ بدَل چینی. (شاملو، ۱۳۹۱: ۷۵۵)
راستی را / مختوم / من به تقدیر و به پیشانی و این گونه اباطیل / ندارم باور. (شاملو، ۱۳۹۱: ۸۵۸)
و در آن هنگام / برابر دکه‌ی ریس فروش یهودی / تاریک ایستاده بود مرد تلخ، انبانچه‌ی سی پاره‌ی نقره در مشت اش. / حلقه‌ی ریسمانی را که از سبد برداشت مقاومت آزمود
و انبانچه‌ی نفرت را / به دامن مرد یهودی پرتاب کرد مرد تلخ. (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۲۱)

ایجاز

همان بیان معنی بسیار در کلام کوتاه است به طوری که خللی به مطلب وارد نشود. در شعر شاملو ایجاز به فرواوانی نشان داده شده است که معمولاً به صورت حذف به قرینه‌ی لفظی و یا حذف به قرینه‌ی معنوی است.

حذف به قرینه‌ی لفظی و معنوی

شعر شاملو سرشار از حذف به قرینه‌ی لفظی و معنوی است.

مردگان را به رف‌ها چیده‌اند / زنده‌گان را به یخ دان‌ها. [چیده‌اند] (شاملو، ۱۳۹۱: ۷۵۶)
نام کوچک ام عربی ست / نام قبیله‌ی ام ترکی [ست] / کنیت ام پارسی [ست] (شاملو، ۱۳۹۱: ۸۷۳)

هم در آن هنگام / که زمین را دیگر / به رهایی من امید می نبود / و مرا به جز این / امکان انتقامی [نبود] همان :
 ۴۷۸) ما همچنان دوره می کنیم ، شب را و / روز را [دوره می کنیم] / هنوز را [دوره می کنیم] (شاملو، ۱۳۹۱ :
 ۶۵۰) **آوردن**

صفات متوالی

آوردن صفات متوالی عیب محسوب می شود و « این عیب معلول تشمت و اغتشاش ذهنی نخستین سال های شاعری شاملوست عیبی که در باغ آینه رفته رفته رنگ می بازد و بخصوص از آید در آینه به بعد کاربرد جدیدی که می یابد از تسلط شاعر به کلمه و کلام حکایت می کند» (حقوقی: ۱۳۹۶، ۱۶)
 بردم سخن به چله نشینان کوه دور / گفتند تا بیفکنم از نیتی که هست / درهشت چاه خشک سیاه ، هفت ریگِ سرخ / یا زیر هشت قلعه کشم هفت مار کور (شاملو، ۱۳۹۱ : ۳۱۷)
 سرکش و سرسبز و پیچنده / گیاهی / دیوار کهنه ی باغ را فرو پوشیده است. (شاملو، ۱۳۹۱ : ۳۸۵)

تابع اضافات

هم برقرار منقل آرزیز آفتاب / خاموش نیست کوره / چو دی سال : / خاموش / خود / من ام ! (شاملو، ۱۳۹۱ :
 ۷۰۳)
 از سردی مرده وار پیکر خاکی خویش / رنجه خواهم شد. / از فشار شهوتناک بازوان نسیمی خویش /
 شکنجه خواهم شد. (همان، ۱۳۹۱ : ۳۶۸)

۲-۲- انگیزش و تجربه های شخصی شاعر در معنا سازی

انگیزش و تجربه های شاملو در شعرهایش بیشتر سیاسی و اجتماعی است و تلفیق این دو با عشق در ساخت معنا به شعر او قوت بخشیده است. شاملو شاعری است که به تمامی و کمال حوادث روزگار خود را در شعرش منعکس کرده است. شعر وی تاریخ مصرف ندارد مانند شعر حافظ برای همه ی زمان ها و مکان هاست. «از موضوعات مکرر شعر او آزادی، مرگ، عشق به انسان و تفکرات اومانیستی، احترام به زن و عشق است. او نیز چون شاعران بزرگ کهن مدام از قاضیان و زاهدان بد می گوید. به جای نفی صوفیان (که دیگر در زمانه ی او موضوعیت ندارد) افکار متافیزیکی را رد می کند. به جای مدح از شاهان زبان به طعن و لعن زورمداران می گشاید. از میانه ی این مضامین متنوع، ستایش آزادی برجستگی خاصی دارد و این مفهوم واقعا با جان شاعر عجین شده است و باید او را مداح آزادی خواند.» (شمیسا، ۱۳۸۸ : ۶۲۵)

در این جا انگیزش شاعر در سرودن برخی از شعرهایش را به عنوان نمونه آورده می شود. شعر «نمی رقصانم چون دودی آبی رنگ ...» حاصل تجربه ای مرکب از اندیشه ی شاعر نسبت به فقر و ظلم و عشق است: نمی گردانم ات در برج ابریشم/ نمی رقصانم ات بر صحنه ای عاج/ شب پاییز می لرزد به روی بستر خاکستر سیراب ابر سرد/ سحر، با لحظه های دیرمان اش، می کشاند انتظار صبح را در خویش.../ نمی رقصانم ات چون دودی آبی رنگ/ نمی لغزانم ات بر خواب های مخمل اندیش یی ناچیز:/ حباب خنده یی بی رنگ می ترکد به شب گرییدن پاییز اگر در جوی بار تنگ/ وگر عشقی کزو امید با من نیست/ در این تاریکی نوید ساید سر به درگاه ام.../ نمی لغزانم ات بر مخمل اندیشه یی بی پای/ نمی غلتانم ات بر بستر نرم خیالی خام:/ اگر خواب آور است آهنگ بارانی که می بارد به بام تو/ وگر انگیزه ی عشق است رقص شعله ی آتش به دیوار اتاق من... (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۳۵ و ۱۳۶)/ شاملو در باره ی انگیزه ی خود از سرایش این شعر می نویسد: «در اعدام سرهنگ سیامک که با نه تن دیگر از نخستین گروه سازمان نظامی اعدام شد.» (همان: ۱۰۶۳)

انگیزه ی شاعر از سرودن شعر «لعت» بیان فضایی استبدادی است که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر کشور حکفرما شد. به ویژه اگر به تاریخ سرایش شعر که سال ۱۳۳۵ شمسی است توجه کنیم این موضوع روشن تر می شود:

پهلوانی خسته را مانم که می گوید سرود کهنه ی فتحی قدیمی را./ با تن بشکسته اش تنها/ زخم پر دردی به جا مانده ست از شمشیر و دردی جان گزای از خشم/ اشک می جوشاندش در چشم خونین داستان درد/ خشم خونین، اشک می خشکاندش در چشم/ در شب بی صبح خود تنه است (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۵۶)

شعر «شبان» (ص ۷۷۱) تجربه ی شاعر در زندان موقت شهربانی سروده شده است و امید واری خود را در فضای خفقان آور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را نشان داده است. سیروس شمیسا، درباره ی شعر شبانه می گوید: «... به نظر من تصویر حالت آدمی است (خود شاعر) که در یک حالت گیجی (مثلا حاصل از مستی یا نشیگی) در شبی خنک و آرام به پایان زندگی خود و جهان می اندیشد. شاملو این حالت رهایی و یلگی و سبکی را دوست دارد، چنان که بیان آن یکی از موتیف های شعر اوست و می توان چنین تفسیر کرد که زندگی سخت و پر تلاش او چنین تصویری را در ذهنش آرمانی و آرزویی کرده است.» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۶۷۷)

شب که می خواند کسی نوید / من ز راه دور دارم چشم / با لب سوزان خورشیدی که بام خانه ی همسایه ام را گرم می بوسد (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۷۷) و همچنین شعر شبانه یادآور عشقی قدیمی است که کورسوی آن در گذر روزان و شبان زندان بر یاد و خاطر شاعر می گذرد: راست است این سخنان / من چنان آینه وار / در

نظرگاه تو استادم پاک/ که چورفتی ز برم/ چیزی از ماحصل عشق تو بر جای نماند/ در خیال و نظرم/ غیر اندوهی در دل ، غیر نامی به زبان/ جز خطوط گم و ناپیدایی/ در رسوب غم روزان و شبان ... (همان : ۱۸۲)

شعر «برف» ماحصل دوران سیاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ است که برخی روشنفکران دچار آلودگی و عده ای دیگر به امید رسیدن روزهای شادی و آزادی هستند و روز و شب را پشت سر می گذارند :

راه شومی است می زند مطرب / تلخ واری ست می چکد در جام / اشک واری ست می کشد لبخند / ننگ واری ست می تراشد نام / شنبه چون جمعه ، پار چون پیرار / نقش هم رنگ می زند رسام . / مرغ شادی به دام گاه آمد / به زمانی که برگسیخته دام ! / ره به هموار جای دشت افتاد / ای دریغا که بر نیاید گام ! (شاملو ، ۱۳۹۱ : ۳۲۱ - ۳۲۰)

در شعر «ماهی» شاعر به نوعی تغزل اجتماعی دست یافته است که نمود آن را در این شعر می بینیم :

... احساس می کنم / در بدترین دقایق این شام مرگ زای / چندین هزار چشمه ی خورشید در دل ام / می جوشد از یقین ... / آمد شبی برهنه ام از در / چوروح آب / در سینه اش دو ماهی و در دست اش آینه / گیسوی خیس او خزه بو ، چون خزه به هم . (شاملو ، ۱۳۹۱ : ۳۳۵ و ۳۳۷)

شعر « بر خاک جدی ایستاده ام ... » و « کوچه » یادآور نگره ی جبری و اختیاری حافظ است و نشان دهنده ی تاثیر شاملو از این نگره و آونگ بودن میان این دو اندیشه است . در دیوان حافظ ابیاتی هست که این پارادوکس فکری را که در دو شعر شاملو نیز دیده می شود ، به نمایش می گذارد . دیدگاه جبری او در این بیت تبلور می یابد :

نگشادست (حافظ، ۱۳۷۱ : ۱۱۴)

در شعر شاملو با همین مضمون و تجربه ی زیستی می خوانیم :

دیوارها زندان را محدودتر نمی کند . / میان دو زندان / درگاه خانه ی تو آستانه ی آزادی ست / لیکن در آستانه / تو را / به قبول یکی از این دو / از خود اختیاری نیست . (شاملو ، ۱۳۹۱ : ۳۷۲)

حافظ در این بیت :

ار غیر مرادم گردد / من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک (حافظ، ۱۳۷۱ : ۲۵۵)

شاملو نیز این نگره ی حافظ را چنین مضمون پردازی کرده است :

دیوار / و دهلیز سکوت / و آن گاه / سایه یی که از زوال آفتاب دم می زند . / مردمی ، و فریادی از اعماق - / مهره نیستیم ! / ما مهره نیستیم ! (شاملو ، ۱۳۹۱ : ۳۷۴)

شعر «باغ آینه» نیز با شاعری رو به رویم که انگیزه ی خود را از سرایش روشنایی و پاکی می داند :

... فریاد من همه گریز از درد بود / چرا که من در وحشت انگیزترین شب ها آفتاب را به دعایی نومیدوار / طلب

می‌کرده ام (همان: ۳۸۹) شاعر

در شعر «ره‌گذران»، در واقع با فضایی کافکایی، هم ستیز خود با نسل‌های بی‌باور را به نمایش گذاشته و هم تاریخ ستمگری و ستمبری را مکرر کرده است:

در زیر از شاه‌راه متروک پیش می‌آمدند/ و تپه‌های گل‌پوش بهاری / در نظرگاه ایشان انتظاری بی‌هوده می‌برد / به کندی از برابر من گذشتند بی‌آن‌که به من درنگند / و من ایشان را بازشناختم چرا که از جانب پدران شان پیغامی با من بود.../ با ایشان گفتم: «- هم در این جای خواهم ایستاد و چندان که فرزندان شما بگذرند / پیغام شما خواهم گزاشت.» (شاملو، ۱۳۹۱: ۴۲۹ و ۴۳۰) شاملو

با خلاقیت به تدریج به بیان ویژه‌ی خود دست یافته است، در همان شعر نخست مجموعه‌ی «آیدا: درخت و خنجر و خاطره» نگرش اجتماعی خود را به تماشا می‌گذارد: و مردی و مردمی را / هم‌چون خرما و عدس به ترازو می‌سنجند / با وزنه‌های زر/ و هر رفعت را / دست مایه / زوالی ست / و شجاعت را قیاس از سیم و زری می‌گیرند / که به انبان کرده باشی؛ / اکنون که مسلک / خاطره‌ی بیش نیست / یا کتابی در کتاب دان... / و کلمه‌ی انسان / طلسم احضار وحشت است و / اندیشه‌ی آن / کابوسی که به رویای مجانبین می‌گذرد (شاملو، ۱۳۹۱: ۵۰۸)

در شعر «غزلی در نتوانستن»، تقابل میان فراغ‌بالی هنرمند و دغدغه‌ی معاش او به هنگام خلق و آفرینش اثر هنری که می‌تواند از منظر نقد تکوینی جالب توجه باشد، موضوعی برای سرایش این شعر شده و لحظات زیبا و شورآفرینی را از عشق به معشوق در این شعر، رقم زده است: رنگ‌ها در رنگ‌ها دویده / از رنگین‌کمان بهاری تو / که سراپرده در این باغ خزان رسیده برافراشته است / نقش‌ها می‌توانم زد / غم نان اگر بگذارد. (شاملو، ۱۳۹۱: ۵۴۸) شعر «سرود آن‌که برفت و آن‌کس که برجای ماند»، شعری است سرشار از وهم و خیال که سرشت و سرنوشت اندوه‌بار نسل‌ها را به تصویر می‌کشد:

در آواز مغرورانه‌ی شب، آوازی بر آمد / که نه از مرغ بود و نه از دریا / و بار خستگی تبار خود را همه / من / بر شانه‌های فرو افتاده‌ی خویش / احساس کردم. (شاملو، ۱۳۹۱: ۵۶۳)

۳-۲ ابداع تصاویر حسی با استفاده از تفکر خلاق

شاملو از صور خیال بهره‌گرفته تا شعر خود را برای مخاطب جالب توجه کند و به همین سبب از با استفاده از خلاقیت فکری خود تصاویری ابداع می‌کند که شعرهای او را مهم و تاثیرگذار جلوه داده است.

«موتور ایماژهای شعر او بر مدار استعاره‌ها و در کلیت یک شعر، بر محور بیان رمزی می‌گردد. اجزای تصاویر شعرش متنوع است: محیط زندگی شهری، عناصر رمزی مدرن، اسطوره‌های غربی، زندگی قرون وسطایی مغرب زمین، زندگی سنتی شرقی. بررسی آماری ثابت می‌کند که او در مجموع به تصاویر و ایماژهای رمزی بیش‌تر از بزمی و غنایی گرایش دارد. روح حماسی اشعارش از جمله ناشی از همین کیفیت تصویرگری است. ضربه‌های عاطفی که بر ذهن و روان خواننده وارد می‌کند، بیش‌تر مدیون تصاویر عریان و درشتنمایی است که ارائه می‌دهد.» (زرقانی، ۱۳۹۱: ۳۲۷)

انواع آرایه‌ها

از آن‌جا که انواع خلاقیت ادبی در اشعار شاملو فراوان است می‌توان گفت که وی با تلفیق آرایه‌های گوناگون که به موسیقی کلمه یاری می‌رساند شعرش را زینت داده و کاستی وزن عروضی و وزن نیمایی را در شعر خویش جبران کرده است. کاربرد آرایه‌های ادبی در شعر شاملو به گونه‌ای است که گاه آن‌ها را می‌توان متوالی و پی‌درپی در کنار هم جست و جو کرد.

تکرار

تکرار در شعر کلاسیک فارسی بیشتر به صورت ردیف و قافیه و رد الصدر و رد العجز وجود داشته اما تکرار «در سطوح مختلف در شعر معاصر حضور دارد؛ محور اصلی موسیقی درونی در شعر معاصر تکرار است که بسامد آن در مصوت‌ها، صامت‌ها، هجاها، واژه‌ها و جملات موجب زیبایی و موسیقی است.» (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۴۸) شاملو از تکرار به‌فور و با خلاقیت به صورت‌های مختلف در شعر خود استفاده کرده است. «تکرار ارکان مختلف جمله و نیز تکرار عبارات یا جمله در شعر شاملو شواهد بسیار دارد. تکرار اغلب نشان‌دهنده تکیه و تأکید و یا توجه و علاقه شاعر بر موضوع و معنی مکرر است و نیز در شعرهای سفید به ایجاد نوعی ریتم و انسجام ساخت شعر مدد می‌رساند.» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۳۷۹)

هو را مصرف کرده‌ام / اقیانوس را مصرف کرده‌ام / سیاره را مصرف کردم... (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۷۶)

بگذار برخیزد مردم بی لبخند/ بگذار برخیزد! (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۷۹)

زاری در باغچه بس تلخ است / زاری بر چشمه‌ی صافی / زاری بر لقاچ شکوفه بس تلخ است... (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۷۹)

آن‌گاه جهان به تمامی: زمین و زمان به تمامی و آسمان به تمامی (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۰۰۳) در شعر «یکی کودک بودن»، تکرار در ابتدا و انتهای شعر ساختار دوری ایجاد کرده است. یکی کودک بودن / آه! یکی کودک بودن در لحظه‌ی غرش آن توپ آشتی / و گردش مبهوت سیب سرخ / بر آینه... در این روز بی امتیاز / تنها / مگر / یکی کودک بودن... (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۸۵)

تشبیهات تازه

«شعر

شاملو از نظر تشبیه چه به صورت گسترده و چه به صورت فشرده بسیار غنی است مهم ترین خصیصه‌ای که در تشبیهات شعر شاملو جلب نظر می‌کند تازگی آن‌هاست» (پورنامداریان: ۱۳۹۰، ۲۱۵) گاهی شاملو با آوردن تشبیهات متوالی و پشت سرهم زیبایی جالب توجهی به شعرش بخشیده است. در حریرِ ظلمات، در کتانِ آفتاب / در ایوانِ گستره‌ی مهتاب / در تارهای باران / در شادروان / در حجله‌ی شادی / در حصارِ اندوه... (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۸۰)

تضاد متوالی

هم

از این جا که تو ایستاده‌ای اکنون / فروتن یا فرومایه / خندان یا غمین / سبک پای یا گران بار / آزاد یا گرفتار. (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۸۱)

پارادوکس یا متناقض‌نمایی

در

این خاموشی گویا / گویاتر از هر آن چه شگفت‌انگیزتر کرامتِ آدمی به شمار است / در رشته‌ی بی انتهای معجزتی که اوست... / در این اعترافِ خاموش... (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۹۵)

راستی را / هر چند / شعله‌ی سردی آن سان که بر آن بتوان انگشت نهاد / سبب غلغله‌ی جوشش ما نیست (شاملو، ۱۳۹۱: ۸۵۴)

تلمیح

در

شعر « واپسین تیر ترکش، آن چنان که می‌گویند. » (ص ۷۳۶) تلمیح وجود دارد. یا هم چون خون سیاوش / خون هر روز آفتابی که هنوز بر نیامده است / که هنوز دیری به طلوع‌اش مانده است / یا که خود هرگز بر نیاید. (همان: ۷۳۶) که اشاره‌ای است به داستان سیاوش و کشته شدن او به دست افراسیاب و رویدن گیاه پرسیاوشان از خون او.

آرکی تایپ (Archetype)

آرکی تایپ، کهن الگو یا صور ازلی « آن قسمت از محتویات موروثی ناخود آگاه جمعی است که همیشه و در همه جا به شکل ثابتی بروز می‌کند و نشانگر آرمان و اندیشه‌ی بخصوصی است. کهن الگو در خواب‌ها و آثار ادبی خلاق به فراوانی دیده می‌شود. » (شمیسا، ۱۳۷۶: ۸۷)

«در شعر شاملو با بسامد بالای کاربرد کهن الگو مواجهیم و این مهر تاییدی بر شعر جهانی و انسانی اوست شعری که از نمادهای جمعی و ازلی سود می‌جوید.» (پروانه دلاور و دیگران، ۱۳۹۴)

« سفر » ، آن چنان که از نام آن هم پیداست ، حاوی آرکی تایپ یا کهن الگوی سفر است :

... و از آن هنگام که سفر را لنگر بر گرفتیم/ اینک کلام تو بود از لبانی / که تکرار بهار و باغ است. و کلام تو در جان من نشست/ او من آن را / حرف / به حرف / باز گفتم . (شاملو، ۱۳۹۱: ۵۹۶)

تشخیص

از برجسته‌ترین و چشمگیرترین کار شاملوست در تمام شعر وی افعال و اعمال و خصوصیات و عواطف انسانی و نیز گاهی موجودات جاندار دیگر به عناصر و موجودات بی جان طبیعی و مفاهیم انتزاعی و ذهنی نسبت داده شده است؛ از این رهگذر فضای شعر او مملو از شور و نشاط و حرکت گردیده است. (ر.ک. پور نامداریان ۱۳۹۰، ۱۹۹-۲۰۰)

شاخ مایوس یکی پیچک خشک/ پنجه بر شیشه ی در می شاید.(شاملو:۱۳۹۱، ۱۱۱)
شامگاه اندیشناک و خسته و مغموم / کاج های پیر تاریکند و در اندیشه ی تاریک. (شاملو:۱۳۹۱، ۳۳۸)
شب/ با گلوی خونین/ خوانده است/ دیرگاه / دریا/ نشسته سرد/ یک شاخه / در سیاهی جنگل/ به سوی نور/ فریاد می کشد.

استعاره و رمز (سمبل)

در شعر شاملو می توانیم استعاره‌ها را با توجه به نوع شعر به راحتی به راحتی شناسایی کنیم اما گاهی هم استعاره-ها رمزی (سمبل) هستند که مخاطب باید با کوشش ذهنی خود آن‌ها را دریافت کند.
آه بگذاریدم! بگذاریدم! / بگذاریدم! / اگر مرگ/ همه‌ی آن لحظه‌ی آشناست که ساعت سرخ/ از تپش باز می ماند.

و در آن هنگام که خورشید/ عبوس و شکسته دل از دشت می گذشت/ آسمان ناگزیر را / به ظلمت جاودانه / نفرین کرد. در اینجا خورشید رمز سمبل آزادی و روشنایی است و ظلمت رمز و سمبل تاریکی و خفقان است.

اغراق

اغراق در اشعار شاملو « ناشی از شور و هیجان شدید عاطفی است. تا شاعری نفرت فوق العاده یا محبت فوق العاده یا تعلق خاطر فوق العاده به شخص یا اندیشه یا حادثه ای نداشته باشد نمی تواند به وجهی اغراق آمیز از آن سخن گوید. چنین می نماید که صمیمیت و دلبستگی شاملو نسبت به آن چه می گوید انگیزه‌ی اغراق در سراسر مجموعه‌های شعری اوست.» (پور نامداریان: ۱۳۹۰، ۲۵۵)

لبانت/ به ظرافت شعر/ شهوانی‌ترین بوسه ها را به شرمی چنان مبدل می کند/ که جاندار غار نشین از ان سود می جوید/ تا به صورت انسان در آید. (شاملو: ۱۳۹۱، ۴۹۵)

توفان‌ها / در رقص عظیم تو/ به شکوه مندی / نی لبکی می نوازند/ و ترانه‌ی رگ‌هایت / آفتاب همیشه را طالع می کند. (شاملو: ۱۳۹۱، ۴۹۷)

طنز (satire)

طنز در لغت به معنی ناز، عیب کردن، برکسی خندیدن و طعنه زدن و تمسخر است و در اصطلاح سخنی است اعتراض آمیز و لطیف و نیشخند انگیز که قصدش انتقاد و اصلاح جامعه است. (ر.ک. رستگارفسای، ۱۳۸۰: ۲۱۹) می توان گفت طنز انتقام انسان هوش ورز است از موقعیت تراژیکی که در آن به سر می برد یا در نگاه خنده انسان را به دیدار فرزائگی بردن. «طنز فاخرترین گونه شوخ طبعی است و در شعر شاملو عبارتست از بیان هنرمندانه و نقادانه کژی ها و نادرستی ها به قصد اصلاح و نه تخریب یعنی در شعر او معمولا مقاصد اصلاح طلبانه و اجتماعی مطرح است. ترکیب شعور و اندیشه و عینیت و طنز در شعر شاملو، سازه ای شگفت ایجاد کرده است که موجب می شود شاعر با دیدگاه های جدید بتواند صمیمیت بیشتری با مخاطب داشته باشد.» (گذشتی و دلور، ۱۳۹۲: ۵۳) برادر

زنانِ افتخاری / آینده از آن هم شیره گان شماس (شاملو، ۱۳۹۱: ۳۹۸) و آدمی
 را / هم بدان چرب دستی گردن می زنند / که مشاق ژنده پوش دبستان ما / قلم های نین را قط می زد / و در دهی
 بی ایمانی شان / همه چیزی را توان خرید / در برابر سکه ای. / عصر پشت و رو / که ژنرال ها درسته می میرند
 / بی آنکه / ککی حتی / گزیده باشندشان / و مردان متنفذ از جنگ / با سینه های دریده / و پوستی / که به کیسه
 های انباشته از سرب می ماند. (همان، ۱۳۹۱: ۵۲۱-۵۲۰)

۴-۲ پویایی واژه ها

در شعر معاصر شاعران خلاق تلاش می کنند تا واژه ها را از معانی پیش انگاشته بزدایند و واژه ها را آن گونه بتکانند که معانی قبلی آن ها هم چون گرد و غباری فرو بریزد و رنگی تازه پیدا کنند. (ر.ک. حسن لی، ۱۳۹۶: ۱۱۳)

شاملو با خلاقیت خود و با تسلط بر واژگان نو و کهن که در واقع ابزار کار او بوده است و انتخاب آن ها در کنار هم، شعر خود را غنا بخشیده و از این طریق به دینامیک بودن آن کمک کرده است «آشنایی عمیق شاملو با فرهنگ و زبان توده ای مردم از یک سو و آشنایی با آثار نظم و نثر گذشته فارسی از سوی دیگر، باعث شده است که وی بسیاری از لغات کهنه و قدیمی موجود در متون فارسی را دوباره زنده کند و بسیاری از کلمات عامیانه و غیر شاعرانه جواز عبور در شعر دهد. او معتقد است که ذهن شاعر باید از کلمات پر بار باشد تا بتواند بهتر عواطف و اندیشه های خود را بیان کند.» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۳۱۷-۳۱۶)

کاربرد واژه های قدیمی در کنار واژه های امروزی

توانِ خندیدن به وسعتِ دل، توانِ گریستن از سُویدای جان (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۷۴)

سحرگه/ به ناگاه با فُشعَریره‌ی درد/ در لطمه‌ی جان ما/ جنگل/ از خواب واگشود (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۷۸)

زاری بر شِراعِ بلندِ نسیم/ زاری بر سپیدارِ سبز بالا بس تلخ است. (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۷۹)

جهان را/ مضمیفِ مهربانِ گرسنه‌گی خواستن (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۸۹)

سایه و زرد/ مرگ خاموش را ماند/ مرگ خفته را و قیلوله‌ی خوف را. (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۹۸)

ای زنجیرِ خواب گسسته به آوازِ پای ره‌گذری خوش سگال! (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۹۹)

زورقی که روزی چند در خاطری نقش بست/ وان گه به خرسنگی برآمد و در هم شکست. (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۸۶)

کاربرد کلمه های محاوره و کوچه بازار

و نعره‌ی اُزگَلِ اژه زنجیری/ اُسرخ/ بر سبزیِ نگرانِ دره / فروریخت. (شاملو، ۱۳۹۱: ۹۷۸)

چیزی به دمبِ سکوتِ سیاستگینِ فضا آویخت/ تا لحظه‌ی انفجارِ کبریت خفه در صندوقِ افق / خاموشی شود. (شاملو، ۱۳۹۱: ۱۰۰۲)

دقت در انتخاب واژه

انتخاب واژگان در شعر شاملو با دقت و هوشمندی صورت گرفته است زیرا او با کنار گذاشتن وزن از موسیقی خود کلمه برای اعتلا بخشیدن به شعرش استفاده کرده است و به همین دلیل دقتی بی نظیری در انتخاب واژه ها دارد.

شاملو با شناخت شکل و مفهوم حقیقی و مجازی کلمه ، شناخت خاصیت اصوات ، پرباری ذهن از نظردایره‌ی لغات ، وسعت زمینه‌های فرهنگی و نیز ذوق و قریحه و شعور و هوشیاری توانسته است با نشانیدن مناسب ترین کلمه در مناسب ترین موقعیت و مکان ، کلام خود را به حد کمال رسانده است. (ر.ک: پور نامداریان : ۱۳۹۰، ۳۹۱-۳۹۲)

کاربرد واژه های بیگانه

شاملو گاه به نحوی از واژه‌های بیگانه در شعرش استفاده کرده که در کنار واژه‌های خودی خوش نشستند و این مهارت و تردستی شاعر است که توانسته با کنار هم قرار دادن ماهرانه‌ی این واژگان در دو محور جانشینی و هم نشینی این زیبایی را ایجاد کند.

شن- چو بخوان! بخوان! / آواز آن بزرگ دلیران را / آواز کارهای گران را / آواز کارهای مربوط با بشر، مخصوص با بشر / آواز صلح را / آواز دوستان فراوان گم شده / آوازهای فاجعه‌ی بلزن و داخاو / آوازهای فاجعه‌ی وی

یون/آوازه‌های فاجعه‌ی مون واله ری پن/ آواز مغزها که آدلف هیتلر/ بر مارهای شانه‌ی فاشیسم می نهاد/ آواز نیروی بشر پاسدار صلح/ کز مغزهای سرکش داونینگ استریت / حلوای مرگ برده فروشان قرن ما را / آماده می‌کنند/ آواز حرف آخر را / نادیده دوست ام/ شن - چو/ بخوان / برادرک زرد پوستم. (شاملو: ۱۳۹۱، ۸۱)

۳. نتیجه‌گیری

چنان که در این جستار مشخص گردید می‌توان گفت شاملو از خلافت ادبی برای رسیدن به سبک و سیاق ویژه‌ی خویش که همان شعر سپید شاملویی است بهره‌جسته و توانسته به این مهم دست یابد. او با عبور از سنت شعر فارسی و با استفاده از ظرفیت‌های نظم و نثر کلاسیک کلام طبیعی و ویژه‌ی خویش را آفریده است و با توقیفی کوتاه در شعر نیمایی به لزوم پیشروی در آفاق شعر امروز پی برده و سبک شخصی خود را خلق کرده است. مجموعه اشعار شاملو گواه صادقی بر اشراف او بر شیوه‌های گوناگون شگردهای زبانی به همراه انگیزه‌های اجتماعی - انسانی اعم از سیاست و عشق درکنار آرایه‌ها و صورخیال منحصر به فرد و پویا نمودن واژه‌ها می‌باشد و همه‌ی این موارد باعث ایجاد تغییر در ساختار و محتوای شعر نیمایی شد و گونه‌ای جدید شعر به نام شعر سپید که بسیار فخیم و سخیف است به وجود آمد و به دلیل همین فخامت هم کسی جز شاملو در آن به موفقیت نرسید.

منابع

- براهنی، رضا، ۱۳۷۱، *طلادر مس*، تهران، ناشر نویسنده .
- پور نامداریان، تقی، ۱۳۷۴، *سفر در مه*، تهران، انتشارات سخن .
- حسن لی، کاووس، ۱۳۹۶، *گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران*، تهران، نشر ثالث .
- حقوقی، محمد، ۱۳۹۶، *شعر زمان ما احمد شاملو*، تهران، انتشارات نگاه.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران .
- رستگار فسایی، منصور، ۱۳۸۰، *انواع شعر فارسی*، شیراز، انتشارات نوید .
- زرقانی، مهدی، ۱۳۹۱، *چشم انداز شعر معاصر ایران*، تهران، انتشارات ثالث .
- شاملو، احمد، ۱۳۹۱، *مجموعه آثار*، تهران انتشارات نگاه .

- شفیع کدکنی، محمدرضا، ۱۳۹۰، با چراغ و آینه در جستجوی ریشه های تحول شعر معاصر ایران، تهران، انتشارات سخن.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۸۸، راهنمای ادبیات معاصر، تهران، نشر میترا
- ۱۳۷۶، انواع ادبی، تهران، انتشارات فردوسی
- صفوی، کوروش، ۱۳۸۸، نگاهی به معنی شناسی، تهران، انتشارات کتاب ماد
- قدمیاری، مجید، ۱۳۹۲، زندگی، نقد و تحلیل اشعار شاملو، تهران، انتشارات سخن
- ویسی، الخاص، هنجارگریزی زبانی در شعر، خوزستان، انتشارات دانشگاه پیا نور
- یوشیج، نیما، ۱۳۶۸، ارزش احساسات و پنج مقاله در شعر و نمایش، آلمان غربی، انتشارات نوید
- Jones, Rodney, ۲۰۱۲, Discourse and Creativity, First published, England, Pearson Education Limited

مقالات

- ۱ دلاور، پروانه و دیگران، بررسی کهن الگو در شعر احمد شاملو با نگاه کاربرد شناختی، مجله متن پژوهی ادبی شماره ۵۱ صص ۱۲۲-۸۱
- دیانی دردشتی، اکرم، بی تا؟، قرآن، اخلاقیت و نوآوری، تفسیر مفاهیم، سال هفدهم، صص ۴۸ تا ۶۰-
- روحانی، مسعود، ۱۳۹۰، بررسی کارکردهای تکرار در شعر معاصر (با تکیه بر شعر سپهری، شاملو و فروغ) مجله شعر پژوهی، شماره ۸، صص ۱۶۸-۱۴۵
- گذشتی، محمدعلی، و دلاور، پروانه، ۱۳۹۲، تحلیل کاربرد شناختی طنز در شعر احمد شاملو، مجله مطالعات نقد ادبی شماره ۳۳ صص ۵۶-۳۱

References

- Brahni, Reza, Talader Mes, Tehran, ۱۳۷۱, the author's publisher. - Pour Namdarian, Taghi, ۱۳۷۴, Safar Dar Meh, Tehran, Sokhon Publishing House. - Hasan Lee, Kavos, ۲۰۱۶, types of innovation in contemporary Iranian poetry, Tehran, third edition. - Haqiqi, Mohammad, ۲۰۱۶, Poetry of our time, Ahmed Shamlou, Tehran, Negah publications. - Dekhoda, Ali Akbar, ۱۳۷۷, Dictionary, Tehran, Tehran University Press. - Rostgar Fasaie, Mansour, ۲۰۱۰, all kinds of Persian poetry, Shiraz, Navid Publications. - Zarkani, Mehdi, ۲۰۱۳, Iran's Contemporary Poetry Perspective, Tehran,

Third Publications. – Shamlou, Ahmed, ۱۳۹۱, collection of works, Tehran, Negeh publications. – Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza, ۲۰۱۳, with lamp and mirror in the search for the roots of the transformation of contemporary Iranian poetry, Tehran, Sokhon Publications.

- Shamisa, Siros, ۱۳۸۸, Guide to Contemporary Literature, Tehran, Mitra Publications, ۱۳۷۶, literary genres, Tehran, Ferdowsi Publications

Safavi, Korosh, ۱۳۸۸, A Look at Semantics, Tehran, Mad Ghadiyari Publications, Majid, ۱۳۹۲, Life, Criticism and Analysis of Shamlu's Poems, Tehran, Sokhon Vaisi Publications, Al Khas, Linguistic Avoidance Norms in Poetry, Khuzestan, Pia Noor University Publications Yoshij, Nima, ۱۳۶۸, The Value of Emotions and Five Essays in Poetry and Drama, West Germany, Navid Publications

-Jones, Rodney, ۲۰۱۲, Discourse and Creativity, First published, England, Pearson Education Limited

articles

-۱ Delavar, Parvaneh and others, the study of the archetype in Ahmad Shamalu's poetry from the perspective of cognitive application, Journal of Literary Text Studies, No. ۵۱, pp. ۸۱-۱۲۲

-۲Diani-Dardashti, Akram, Beta?, Qur'an, creativity and innovation, interpretation of concepts, ۱۷th year, pp. ۴۸-۶۰

-۳Rouhani, Masoud, ۲۰۱۳, examining the functions of repetition in contemporary poetry (based on the poetry of Sepehri, Shamlou and Forough), Poetry Research Magazine, No. ۸, pp. ۱۴۵-۱۶۸

-۴Passadi, Mohammad Ali, and Delavar, Parvaneh, ۲۰۱۳, analysis of the cognitive use of humor in Ahmed Shamlou's poetry, Journal of Literary Criticism Studies, No. ۳۳, pp.

۳۱-۵۶

